

متن پرسش

سلام: یه وضعیتی برام پیش اومده که اصلا نمیشه هیچ کار کرد. یه وضعیت بدی که درس خوندن هم شده برام مساله. نمیتونم مگه من نمی دونم که امتحاناتم کی هست. مگه من نیمده بودم اون طوری که برنامه ریخته بودم. و واقعا نمیشه ها. چرا من این قده گند میزنم. این چه افتضاحیه. امروز مثل روز های جمعه وقت بسیار خوبی هستش برای این که به کارام برسم. انگار خودم رو مسخره کردم این قدر تعادل ندارم و خرفت هستم که بدون اراده دست به هرچی کثافت کاری هست میزنم. ولی من بازم نمی تونم. حتی بعد الان هم قرار هست که برم بشینم سر کارا قبلیم. چیکار کنم همیشه مسله من همین بوده. چرا نمیتونم کاری بکنم انگار که پا هام توی گل گیر کرده در حالی که قله ای پیش رومه که من فقط باید برم ولی من همیشه پای خودم رو می بینم مسئله من هم نیست، همه همین طور هستن. حضرت آقا ۴۰ ساله که هی وایساده داره هی اون قله رو نشون میده خدا ان شالله که سلامتی شون بده. آسون بودن کار اجی مجی لا ترجی نیست باید خدا بخاد. به گفته ی شهید حججی ما پامیشیم میرم کربلا یا مزار حاج قاسم از خونه دوریم ولی به خدا نزدیک تریم. اما اگه بتونیم توی خونه خدا رو هم داشته باشیم بیشترین جهاد رو کردیم. چجوری؟ همون اول هم گفتم. دوباره گند میزنم به درسام آخرش هم نمی دونم. بقیه هم میگن نشتی بخونی هرچی میگم بابا بخدا نشد هرچی خواستم. حالا با این اوصاف باید بگم که همه ی وقتم رو دارم تلف می کنم؟ خب معلومه. چیکار کنم؟ نمیدونم. شاید باید سحر بشم، یا زهر هلاهل بخورم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: مهم ترین کار همان طور که انسان های بزرگ خود را در آن قرار دادند؛ برنامه ریزی برای هر روز و هر هفته و هر سال است. در دل آن برنامه، نه تنها جای درس و مطالعه و کارهای دینی و کارهای جدی را مشخص می کنید، حتی جای بازی و تفریح و ورزش را نیز معلوم می نمایید. در نظر داشته باشید که یکی از ابعاد شخصیتی حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» برنامه داشتن ایشان بود. موفق باشید